



مکتب روحانی مشاوره مسیحی

بیش از رستگاری

A Theology of Christian Counseling

More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل هفدهم

اصول پاکسازی (ادامه)

مشاوره و پایداری

نام اصل مورد نظر، "پایداری مقدسین" است؛ نه "امنیت ابدی"، یا "نجات یافته برای همیشه نجات یافته". البته شکی در این حقایق نیست، اما تا اندازه خطرناکی تمرکز بر یک جانب از این حقیقت می کنند. پایداری مقدسین، تنشی است که در جریان کار پاکسازی انجام می گیرد (مقدس کسی است که جدا شده)، که در نتیجه آن منجر به امنیت ایماندار می شود. دو نوع امنیت برای ایمانداران وجود دارد، یکی امنیت کنونی و دیگری امنیت ابدی. همه ایمانداران از امنیت ابدی برخوردارند. ولی نه همه از امنیت کنونی. نگرانی و ناراحتی ها از آن منشع می شوند.

یوحنا ۱۵

۵: من تاک هستم

و شما شاخه های آن.

کسی که در من می ماند و من در او،

میواۀ بسیار می آورد؛

زیرا جدا از من، هیچ نمی توانید کرد.

۶: اگر کسی در من نماند،

همچون شاخه ای است که دورش می اندازند و خشک می شود.

شاخه های خشکیده را گرد می آورند و در آتش افکنده، می سوزانند.

برای میوه آوردن، شاخه باید به تنه متصل باشد. یعنی باید در ایمان بماند (تا میوه بوجود آید). اگر نماند، ایمانش حقیقی نیست و به "آتش افکنده" می شود (۶).
من آیاتی که پایداری را تعلیم می دهند را در اینجا ردیف نخواهم کرد. تنها می خواهم نشان دهم که از طریق ایمان است که پایداری ایجاد می شود.

یعقوب ۱

۳: زیرا می دانید گذشتن ایمان شما از بوته آزمایشها، پایداری به بار می آورد.

می توان گفت، ایمان باید بوده باشد تا پایداری را "بار آورد". در نتیجه، آنکه بارها شکست می خورد، ایمان به نجات و آزادی که در عیسی مسیح هست را نیافته. ممکن است در حل مسائل دیگر موفق بوده، ولی از این لحاظ (نوع آزمایش) می توان او را بی ایمان شمرد. ایمان عصاره لازم برای شروع کار است. البته ایمان عطای روح القدس است، ولی نه برای خود داشتن و پنهان کردن. برای استفاده در زندگی روزانه داده شده تا خواست خدا را برآورده کند. و در زندگی روزانه است که شیطان با مسائل و مشکلاتش ("آزمایشها")، ما را ضعیف و در بند خود می کند تا آن "ایمان" هیچوقت به دست فرزند خدا نرسد. ایمان قدرتی است، ماورای بر داشت محدود (انسانی) ما، که حاضر است قدرت عظیم محبت خود را به ما بدهد تا بتوانیم خواست خدا را اجرا کنیم. ایمان اولیه، با امید (به عیسی) آغاز می شود، ولی رفته رفته با استفاده از آیات کلام (انجام آنچه مسئله را حل می کند)، تبدیل به ایمان (تجربه) می گردد. حال باید پرسید، "امید به عیسی" از کجا آغاز می شود؟

قدم اول را ایماندار باید بردارد. اوست که می خواهد نجات یابد. خدا ایمان را می دهد (اتفاقاً تمام وجودش را می دهد)، ولی ایماندار باید آن را دریافت نیز بکند. در همین دریافت ایماندار است که روح القدس عمل تقدیس را به ثمر می رساند.

ایمانداران باید بدانند که مقدسین (حقیقی) پایدار می مانند، چون خود تجربه کرده اند. بجای آنکه فکر کنند آیا موفق می شوند یا شکست می خورد، فکرشان را بر قدمی که در راه عیسی و همسایه خود می توانند بردارند متمرکز می کنند. اگر بخواهیم روی خود حساب کنیم، امکان پذیر نخواهد بود. اگر می شد تا بحال شده بود. منظور - هر وقت در فکر و خدمت به خدا و همسایه هستیم (نه خود محوری)، از برکت وجود خدا نیز بهر مند می شویم. اگر تنها ایمانی که یک مسیحی دارد، از زمانی است که تازه ایمان آورده بود (ایمان به نجات آورده، ولی معلوم نیست نجات از چی)، باید از ابتدا اصول نجات عیسی مسیح را (که منحصر بفرد است) دوباره برایش تکرار کنیم. نباید زیر بار اعتراض هائی چون، ”من این چیز ها را می دانم“ برویم. از ریشه است که تنه درخت ساخته می شود. اگر مسئله متقاضی فاش گردیده و طریق استفاده از آیات کلام برای حل مسئله نیز شکل گرفته، اما متقاضی قدم اول را برندارد، کار به جایی نمی رسد.

البته مسائل و مشکلاتی نیز هست که بخاطر خلاف ما نیست و عوارض دنیوی دارند. اما آنچه حسابش با ماست، لازم است به یاری و پیروزی عیسی مسیح مسیر توبه را اتخاذ نماید. زمانی که خدا فرزندی را شامل خانواده خود می کند، به آن منظور نیست که او را به دام شیطان بی افکند و ”آزمایش های“ گوناگونی را بر روی او انجام دهد! اولاً خدا نیست که ”آزمایش های“ گوناگون را ایجاد می کند، شیطان است. دنیا این آزمایش ها را ”مسائل و مشکلات زندگی“ می خواند، ولی خدا از دیدگاه خود، ”آزمایش ها“ را امکانی برای فرزندانیش می شمارد که از شر شیطان خلاصی یافته و شباهت خدا را بخود بگیرند. نجات، اولین و میانه و آخرین کار خدا است. و با اینگونه حقایق است که ما استواریم:

اول پطرس ۱

۳: متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود،

ما را به واسطه رستائیز عیسی مسیح از مردگان،

تولدی تازه بخشید، برای امیدی زنده

۴: و میراثی فساد ناپذیر و بی آلاش و نا پڑ مردنی

که برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛

۵: و شما نیز به قدرت خدا و به واسته ایمان،

محفوظ هستید برای نجاتی که از هم اکنون آماده شده

تا در زمان آخر به ظهور رسد؛

اصولاً ایمان بدون ”ایمانداری“ فایده ای ندارد،

یعقوب ۲

۱۹: تو ایمان داری که خدا یکی است. نیکو می کنی!

حتی دیو ها نیز اینگونه ایمان دارند

و از ترس به خود می لرزند!

۲۰: ای نادان، می خواهی بدانی چرا ایمان بدون عمل بی ثمر است؟

۲۱: آیا جدّ ما ابراهیم به اعمال پارسا شمرده نشد،

آنگاه که پسر خود اسحاق را بر مذبح تقدیم نمود؟

۲۲: می بینی که ایمان و اعمال او با هم عمل می کردند،

و ایمان او با اعمالش کامل شد.

ما تا ابد آمرزیده شده ایم، و همین آمرزش است که راه را برای فتوحات بیشتر روح القدس فراهم می سازد. آمرزش ما جاودانی است:

رومیان ۸

۳۵: کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟

سختی یا فشار یا آزار یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟

۳۶: چنانکه نوشته شده است:

«ما همه روز، به خاطر تو به کام مرگ می رویم

و همچون گوسفندان کشتاری شمرده می شویم»

۳۷: به عکس، در همه این امور ما برتر از پیروزمندانیم،

به واسطه او که ما را محبت کرد.

۳۸: زیرا یقین داریم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها،

نه چیز های حال و نه چیز های آینده، نه هیچ قدرتی،

۳۹: و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت،

قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.

عیسی مسیح بارگناهان ما را بر صلیب بدوش کشید. لازم نیست دوباره بار زندگی این دنیا را حمل کنیم. آزادی (از تصلّت شیطان) یعنی با جرئت بتوان جانب خدا را گرفت. این نیز مشوق دیگری است برای برداشت آن قدم اولیه (با امید). زمانی که متقاضی قانع شد که راه دیگری نیز جز راه «جهنم» برایش وجود دارد، آنوقت آماده برداشت قدم اول خواهد بود.

بعضی مسیحیان فکر می کنند، چون گناه انواع مختلفی دارد، هتماً درجات مختلفی را نیز دارد. نمی توانند قبول کنند که خدا حتی بخاطر گناه کوچک و پیش پا افتاده ای، رویش را کنار می کشاند. باید بدانند که گناه سرشت شیطان را دارد، فرق نمی کند کم باشد یا زیاد، و چون اثر مخربی بر زندگی فرزندان خدا دارد، خدا آن را رد می کند. گناه بد، و یا نه چندان بد، وجود ندارد. مانعی است در مقابل خدا. حال فرض کنیم این سرشت تا به حال به قسمت کوچکی از زندگی نفوذ داشته، ولی این را نیز می دانیم اگر از نتفه در آورده نشود، رُشد خواهد کرد.

اول یوحنا ۱

۸: اگر بگوئیم بری از گناهیم،

خود را فریب داده ایم و راستی در ما نیست

۱۰: اگر بگوئیم گناه نکرده ایم،

او را دروغگو جلوه می دهیم

و کلام او در ما جای ندارد.

منظور این نیست که تنها به زبان آوریم و ظاهر سازی و چاپلوسی کنیم (خدا از دل ما آگاه است). منظور این است که گناه را ضد حیات خود بشناسیم و برداشت کنیم. اگر نکنیم، «خود را فریب داده ایم» و لکه ای دیگر به لکه های خود افزوده ایم.

لزوم توبه را نمی توان انکار کرد. توبه به نفع ما است، نه ضرر ما. توبه، راه برگشت به خدا است. این چطور می تواند به ضرر کسی باشد. در دنیا اگر کسی متهم به خلافی شده باشد، مجازات نیز خواهد شد. اگر مرتکب جرمی شده باشی، باید به دادگاه بروی، مجرم شناخته بشوی، به زندان بروی، و با شکنجه های روحی و جسمی، سایر روز های زندگی خود را سپری کنی (دوزخ). و به خاطر ترس و نگرانی و فرار از آنچه در پیش است، سعی می کردیم مجرم شناخته نشیم (چه رسد به اینکه خود اعتراف نیز بکنیم). اما توبه این گونه نیست. توبه شناختن آنچه شیطان بر زندگی آورده، و دریافت نجاتی است که خدا فراهم ساخته. صحبت از روحی است که حاکم می باشد و باید ابتدا از طرف متقاضی مجرم شناخته بشود تا بتواند روح خدا را دریافت کند. توبه راه گریز از آن دوزخی است که شیطان برای همه ساخته. اما همان گونه که روح شیطان میوه می آورد (گناه)، روح خدا نیز میوه می آورد.

موضوع دیگری که باید بگونه صحیح رسیدگی شود تنبلی (کاهل) است. روحیه شکست خورده را نمی توان تحمل کرد. باید به او کمک کنیم نجات یابد؟ ما قبلاً راجع به کمکی که می توانیم بکنیم کرده ایم، اما نمی توانیم راه را نیز برویم. راه را با پای خودش باید برود (روح القدس بکار آید). در راه رفتن است که روح القدس عمل می کند و میوه می آورد. حال اگر برگردیم به موضوع پایداری، می بینیم که خدا دائماً ایمانداران را سرزنش می کند که

متی ۱۰

۲۲: همه مردم به خاطر نام من از شما متنفر خواهند بود.
اما هر که تا به پایان پایدا بماند،
نجات خواهد یافت.

رومیان ۲

۷: او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو،
در پی جلال و حرمت و بقایند،
حیات جاودان خواهد بخشید؛

این موضوعی است که دائماً باید بر سر زبان مشاوران مسیحی باشد، چون متقاضیان بسیاری شکست خورده و ناکام مراجعه می کنند. روحیه "چه فایده ای دارد" یا "امکان ندارد" کاملاً مخالف آنچه کلام گفته می باشد. باید به آنها نشان داد که فایده دارد، خواست خدا برایشان می باشد. دلسوزی برای خود چه فایده دارد. توبه در دسترسشان است و حیات جاویدان در نتیجه آن.